



خانواده و تناقضات دورنی آن!

جمال کمانگر ص ۲



مذهب، مرد سالاری و فرو دستی زن

اعظم کم گویان ص ۳



سازمان جوانان حکمیست - حکمیست
Youth Communist
Organization - Hekmatist

۵۷

www.javanx.com

سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
سه شنبه ها منتشر می شود!
۲۷ SEP 05 - ۸ مهر ۱۳۸۴

از "گردان های ضد شورش رژیم" تا تهدیدات هسته ای!

(مردم باید در گارد آزادی متشکل شوند.)

فعال و سازمانیافته در صحنه مبارزه سیاسی و نظامی خواهد بود که برای به میدان کشیدن مستقل صف طبقه کارگر و سوسیالیسم مبارزه می کند. اگر نقطه ضعف رژیم، مردم است پس باید این مردم را سازمان داد، مسلح و رهبری کرد، طرح و نقشه و پرچم به دستشان داد. باید در ابعاد وسیع عضو حزبشان کرد. اگر رژیم با "گردان ضد شورش" می خواهد به جان جامعه در افتد باید مردم خود را در نقطه مقابل آن یعنی "گارد آزادی" سازمان دهند و آتش قدرتمندترین دخالت کمونیستی در سطوح سیاسی و نظامی برای ختم یک چنین وضعیتی است. تاکتیک باید تامين ملزومات دخالت کمونیست ها و مردم در این اوضاع و بسیج نیروی انسانی برای در هم کوبیدن جمهوری اسلامی باشد. حزب ما نه تنها نظاره گر چنین یافت. اوضاعی نخواهد بود، بلکه نیروی

اوباش و جنایتکاری به میدان نیامده اند. ترس از روند رو به رشد حرکت اعتراضی مردم سرعت معادلات سیاسی تکنونی را دگرگون خواهد کرد. روند اوضاع سیاسی دارد به طرف یورش و تقابل مستقیم تر رژیم با مردم سیر می کند. بزرگترین خطا در این دوران این است که ساکت نشست و کاری نکرد. تلاش برای منتفی کردن سناریوی سلاح های هسته ای و طرحهایی از قبیل "تقویت گردانهای ضد شورش عاشورا" اساسا از طریق رشد آگاهی و آمادگی مردم برای قدرتمندترین دخالت کمونیستی در سطوح سیاسی و نظامی برای ختم یک چنین وضعیتی است. تاکتیک باید تامين ملزومات دخالت کمونیست ها و مردم در این اوضاع و بسیج نیروی انسانی برای در هم کوبیدن جمهوری اسلامی باشد. حزب ما نه تنها نظاره گر چنین یافت. اوضاعی نخواهد بود، بلکه نیروی

اجتماع، به انتحار و انفجار و کشتار در سطح وسیعی از جامعه دست خواهد زد و منفعت بورژوازی را نه تنها در سطح منطقه بلکه در سطح جهانی هم به مخاطره خواهد انداخت. با باتلاقی که آمریکا در حمله به عراق ساخته و در آن گیر کرده است فعلا عملیات نظامی علیه ایران را برایش نامنم کرده است. هر چند نمی توان بر سر جنون هیئت حاکمه راست و فالانژیستی آمریکا در تصمیم به حمله به ایران حکم یکطرفه داد اما اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در این شرایط، دورنمای عمل شمربخش مردم برای خاتمه دادن به عمر رژیم را تیره و تار خواهد کرد و یک مانده آسمانی برای رژیم کثیف اسلامی خواهد بود. حکومت اسلامی می داند که با پیشروی مردم محکوم به شکست سیاسی و ایدئولوژیک است. می داند که مردم برای تعویض هیچ



فواد عبداللهی

رژیم اسلامی بعد از حضور در سازمان ملل و رد قطعنامه شورای امنیت، طرح تقویت گردانهای ضد شورش عاشورا را برای مقابله با مردم جامعه ایران به اجرا گذاشته است. میر احمدی جانشین فرمانده نیروی مقاومت بسیج رژیم، از تجهیز دوهزار گردان عاشورا خبر داده و گفته است "تجهیز ۲۰۰۰ گردان عاشورا قدرت دفاعی کشور را به صورتی معجزه آسا افزایش خواهد داد." و بنابراین قرار است بدون هراس از مردم، "با قدرت و اقتدار، آماده و جان برکف" هم پرونده تولید سلاحهای هسته ای را پیش برند و هم به راحتی توانسته باشند مردم را سرکوب کنند.

رژیم اسلامی در "خندق آخر" است و دارد با نشان دادن ظرفیت جنون آمیزش در تاریخ یک ربع قرن اخیر در ایران و آنچه امروز در عراق جریان دارد، برای ماندگاری خودش در قدرت، آگاهانه با نظامی کردن فضا و طرح تقویت "گردانهای ضد شورش" در جامعه ایران تلاش به عقب رانده شدن نارضایتی و اعتراض مردم دارد. خود غرب هم می داند که رژیم اسلامی در قالب کنونی اش نه قابل تغییر است و نه قابل بقا. ترس از مسلح شدن چنین رژیمی به سلاح هسته ای برای غرب بی دلیل نیست چون از سر استیصال هم که باشد برای ماندگاریش در صحنه سیاست و

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است.

این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

تماس با ما

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳

سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاون دبیر:
جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹



زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

خانواده و تناقضات دورنی آن!

جمال کمانگر



عدم احترام جوانان به پدر و مادر هایشان سوژه ای است که روزنامه های ایران هر از گاهی بطور گذرا به آن می پردازند و حسرت دوران گذشته و نقش اول "ولی" در خانواده و رویای بازگشت به آن دوران را برجسته میکنند. روزنامه اعتماد در این باره با تیتربزرگ نوشت: "گذشت آن روزگاری که پایمان را جلو شما دراز نمیگردیم!" حکایت از تضاد شدید درون خانواده در ایران دارد. تحلیل های آبی همراه با حسرت خوردن برای دوران گذشته هنر این جماعت در توضیح این معضل است! کمک از دستورات ارتجاعی دین، تمام بررسی به اصطلاح جامعه شناسانه در جواب به این شیوه برخوردها است. مقدس بودن خانواده را گوش زد می کنند. تا منافع پشت پرده این مناسبات همچنان حفظ شود. اما واقعیت دیگری در پس این است که من خلاصه به آن می پردازم. این که جوانان تحت تاثیر "فرهنگ بیگانه" قرار گرفته اند حکایت از چالش فرهنگ سنتی و شرقی با فرهنگ مدرن و پیشرو در دنیا است. برای این کار از دولت که فلسفه وجودیش حفظ قداست مالکیت خصوصی است کمک میخواهند که چرا "خوب برخورد" نکرده است. تقابل کور با خواسته ای جوانان به بهانه خانواده، آبرو، شرف و فرهنگ سنتی، میدان جنگی در عمق جامعه به وجود آورده است. نهاد خانواده را چون گویا "ایرانی ها" خیلی تافته جدا بافته ای هستند از روند تکاملی خود جدا می کنند. از تاریخ تکامل این نهاد و کارکرد و تناقضات ذاتی آن میگذرند و به دین و فرهنگ سنتی پناه می برند تا خود را از بحران درونی آن دور کنند.

هرچه باشد خانواده در شکل کنونی آن نهادی است برای انقیاد بیشتر و در تقابل با خواسته ها و تمایلات نسل جوان قرار میگیرد. تضاد سنت گرای و مدرنیسم ضربدر سیستم عقب مانده اسلامی فضایی به شدت متناقض بوجود آورده است. درک این واقعیت توسط "بزرگتر" که خانواده سنتی محکوم به فناست، دشوار است. فضا سازی عاطفی حول آن هم نمی تواند سرپوشی بر این تناقضات باشد.

اما بد نیست نگاهی کوتاه به این مقوله بنیادین و کمی آن را بشکافیم که اصلا خانواده از کجا و طی چه پروسه ای به اینجا رسیده است.

یک بررسی کوتاه نشان میدهد که تا اوایل سال ۱۸۶۰ چیزی به اسم تاریخ خانواده وجود نداشت. در این زمینه علوم تاریخی هنوز تحت تاثیر "پنج کتاب" موسی بود. مطالعه تاریخ خانواده با انتشار "حق مادری" نوشته باکوفن آغاز شد. طبق بررسی های مورگان و مارکس ریشه پیدایش نهاد خانواده همزمان با ظهور مالکیت فردی بود.

انگلس در پیشگفتار چاپ اول منشأ خانواده و دولت مینویسد:

"بر اساس برداشت ماتریالیستی، عامل تعیین کننده در تاریخ، در تحلیل نهایی، تولید و تجدید تولید حیات بلافاصله است. ولی این بنوبه خود، فصلت دوگانه ای دارد. از یک سو تولید وسایل معاش، خوراک، پوشاک و پناهگاه و ابزار که برای آنها ضروری میشوند، از سوی دیگر تولید خود موجودات انسانی، تکثیر انواع نهادهای اجتماعی، که انسانهای یک دوران

تاریخی معین و یک کشور معین تحت آنها زندگی میکنند بوسیله هر دو نوع تولید مشروط میشوند: از یک سو بوسیله مرحله تکامل کار و از سوی دیگر بوسیله تکامل خانواده. هرچه تکامل کار کمتر باشد، و هر قدر حجم تولید آن، و لذا ثروت جامعه محدودتر باشد، بهمان اندازه هم نظام اجتماعی بصورت نیرمندتری تحت تسلط پیوندهای جنسی بنظر میرسد. ولی در داخل این ساخت جامعه که مبتنی بر پیوندهای جنسی است، بار آوری کار بیشتر و بیشتر تکمیل میاید، و همراه با آن، مالکیت خصوصی و مبادله، اختلاف ثروت، امکان استفاده از نیروی کار دیگران، و بنابراین پایه تناقض های ملقباتی، عناصر اجتماعی جدید، که ملی نسلها برای انطباق ساخت اجتماعی قدیم و شرایط جدید تلاش میکنند، تا آنکه بالاخره عدم تجانس آن دو منجر به انقلاب کامل میشود.

جامعه قدیم که مبتنی بر گروههای جنسی است، در تضاد با ملبقات اجتماعی جدیدا تکامل یافته، متلاشی میشود، به جای آن یک جامعه نو ظاهر میشود که در یک دولت متشکل است و محدودهای پائینی آن دیگر گروههای جنسی نبوده بلکه گروههای سرزمینی است. جامعه ایست که در آن نظام خانوادگی کاملا تحت تسلط نظام مالکیت است. و از این پس تناقض های ملقباتی و مبارزات ملبقاتی که محتوی تمام تاریخ تاکنون مکتوب را تشکیل میدهد، در آن آزادانه تکامل میابد."

خانواده را میتوان از جوانب مختلف سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی و مذهبی مورد بحث قرار داد و جایگاه آن را معین کرد. از نظر سیاسی خانواده در زمان های نه چندان دور مهمترین ابزار نگه داری سلطه مورثی شاه در جامعه و حفظ دولت مطلقه مرد سالار و پدر سالارانه بوده است. پدر در سطح خانواده داری همان قدرتی است که والی ده یا شهر، و ولی فقیه

داراست. از اینرو خانواده نه تنها است. دولت و صاحب نظران امور اجتماعی که در صدد توجیه و حفظ تقدس و ارزش ویژه ای بر خورد دار است چرا که هر دو حوزه خانواده و جامعه ضمانتی برای پایداری ساختار قدرت است. اما به اینجا محدود نمیشود از نظر اجتماعی محل هژمونی مرد بر زن است. نقش رهبری مرد در خانواده و تقسیم کار به بیرون و درون خانواده و سپردن وظایفی به زنان که تماما در جهت سلطه مرد است مانند شوهرداری، بچه داری، کار خانه و غیره موقعیتی ویژه به مرد داده است. دخالت در امورات افراد خانواده و تلاش برای تحمیل خواسته های مرد بر سایرین از جمله پایه تناقض کنونی در ایران است.

"سنایع بزرگ با نقش تعیین کننده ای که برای زنان و افراد جوان و کودکان در خارج از چهار دیواری خانه، در پروسه های اجتماعی تولید قائل می شود، پایه اقتصادی جدیدی را برای شکل عالی تری از خانواده و روابط بین زن و مرد بوجود می آورد."

خانواده در ایران بعد از انقلاب مشروطه و کمی قبل از آن و با شروع شهر نشینی گامها در جهت تطبیق خود با مدرنیسم جلو آمده است. اما در خانواده های سنتی و بخشا شهری هنوز شاهدیم که امورات "بچه ها" از قبیل تعیین شغل، ازدواج، و رفتارهای دیگر با بزرگتر هاست. تلاشی که بزرگترها برای حفظ سیادت از دست رفته شان انجام میدهند منجر به بروز اختلافات خانواده می شود. خانواده امروزی در ایران دیگر به الگوهای پیش از خود وفادار نیست و جوانان بیشتر الگوی خود را از میان همسالان خود در جهان جستجو میکنند که به یمن رسانه های جمعی مانند اینترنت، ماهواره و غیره فشار برای از هم پاشاندن ساختارهای عقب مانده اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی در حال جریان شوند!



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعظم کم گوینان

مذهب، مرد سالاری و فرو دستی زن



فرو دستی زن و توجیه نابرابریها و تبعیضات اجتماعی و اقتصادی بعنوان اموری مقدر و الهی، فلسفه وجودی کلیه مذاهب است. جایگاه زن در مذاهب، انعکاس الهی و آسمانی جایگاه زن در جوامع طبقاتی مرد سالار و سرایا نابرابری و تبعیض است. زنان روی زمین و در جامعه مرد سالار فرو دست بی ارزش و حقیر محسوب میشوند تا منفعتهای سیاسی و اقتصادی نظام حاکم بر آورده شود و مذهب این بی ارزشی و ستم را در آیه های آسمانی و از زبان پیغمبرانش توجیه و تقویت میکند. عواطف و تعصبات جاهلانه، مرد سالاری و مذهب حریه های سیاسی و ایدئولوژیک طبقات حاکمه برای توجیه ستم و نابرابری اند. مذاهب فرو دستی زنان در مقابل مردان را اراده خدا قلمداد میکنند و تمام قوانین و آموزشهای مذهبی با زندگی و انقیاد زنان عجین گردیده است. مقام زن در همه مذاهب پست است: افلاطون از خدایان بخاطر هشت عمل خیری که در حق او روا داشته اند پاسگزاری میکند: اولین کار خیر این است که خدایان او را آزاد آفریده اند و نه برده. دومین کار خیر این است که او یک مرد خلق شده و نه یک زن. طبق تعالیم کلیه مذاهب از هندو و بودیسم و یهود تا مسیحیت و اسلام، سرشت زن اسرار آمیز، وهم برانگیز و شیطانی است و این سرشت شیطانی اگر کنترل نشود به ناپاکی و مرگ مردان منجر میشود. از این رو زنان باید تحت فشار و کنترل باشند و چه در خانواده و چه در جامعه توسط مردان مهور گردند.

مرد سالاری و جایگاه زن نزد خدا

تلقی از زن بعنوان ارضا کننده مرد، نقش او بعنوان مایملک مرد و وابستگی سرنوشت زن به مرد طی دو هزار ساله اخیر در اشکال زمخت و عریان و یا ظریف و پیچیده ای به حیات خود ادامه می دهد و مذهب این نابرابری و فرو دستی را توجیه و

تحکیم میکند. در کلیه مذاهب، زنان باید در سه سطح مطیع و منقاد مردان باشند: قبل از ازدواج مطیع پدرانشان، پس از ازدواج در تملک همسرانشان و پس از مرگ آنان، باید مطیع پسرانشان باشند. بر اساس مذهب هندو، "هیچ زنی، چه مانند یک دختر جوان، چه بعنوان همسر و یا یک زن مسن، لایق نیست هیچ امری را مستقلانه انجام دهد، او به مردان تعلق دارد و هرگز نمی تواند مستقل باشد". در ادبیات این مذهب در قرن هفدهم، زنان به این گروهها تقسیم و نامگذاری شده اند "خدمتکاران، گله ها، نادان ترین موجودات" و آخرین دسته هم صرفا لایق کتک خوردن دانسته شده اند. مصیبتهای اصلی یک زن هنگامی که همسرش می میرد، شروع میشود. زن بیوه مظهر سترونی و یک شکون بد و نحس است. طبق تعالیم ارتدکس این مذهب، زن باید قبل از همسرش بمیرد و از این رو زنان بیوه مسئول مرگ همسرانشان تلقی میشوند و یک زن راستین برای جبران این گناه باید در آتشی که جسد همسرش را در آن می سوزانند، می پرید تا همراه او خاکستر شود. بسیاری از زنان هندو برای فرار از این زندگی مصیبت بار، روزه گرفتن های طولانی، تراشیدن سر و فقدان هر نوع حقوق انسانی از این موقعیت خفت بار گریخته و به فحشا پناه می بردند. در جوامع معاصر هم هنوز یک زن بیوه چون نقشی در ثروت و رونق مرد (آرتا) و کامیابی جنسی مرد (کاما) ندارد، موجودی پست تلقی میشود. طبق رسوم مذهبی او باید تمام عمرش را بتنهایی، در عزاداری و در یک موقعیت خفت آور در خانه وابستگان همسرش بسر برد. در مورد پرستش مردان توسط زنان در انجیل در آیه های ۳ و ۹ باب ۱۱ رومیان، آمده: "بر تارک هر زن، مرد و بر تارک هر مرد مسیح و بر تارک مسیح، خدا قرار دارد و زن باید آنها را پرستش کند". در همه این مذاهب زن مایملک مرد و نه یک انسان، بلکه صرفا مادر فرزندان مرد است، مادر البته بمعنی زاینده و شیر دهنده و زن این را نه برای فرزندان خود، بلکه برای مرد انجام می دهد و میتواند در ازای آن مزد مطالبه کند. زن حقی نسبت به فرزندان ندارد. خدا در آخرین مذهبش و در کتاب آسمانی آن قرآن میگوید: "مردان را بر زنان افزونی و برتری خواهد بود" (سوره بقره آیه ۲۲۸)، یا "مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است، هم بواسطه برتری که خدا بر آنان روا داشته و هم بواسطه آنکه مردان باید از مال خود به زنان نفقه بدهند". کالوین بزرگترین "عالم" مسیحیت پس از اگوستین در قرن چهارم، در مورد موقعیت زنان میگوید: "این غیر قابل قبول ترین امر است که کسانی که خود موضوع اقتدار دیگران هستند یعنی زنان، بتوانند اختیار تعلیم دادن دیگران را داشته باشند. این حکم عقل سلیم است که زنان در خانه بمانند و از اداره امور حذف شوند". و در انجیل، کرینتین (قرنتین) ۱۴: ۳۴-۳۵: "زنان باید به شوهرانشان کمک کنند، زن حق تعلیم و آموزش ندارد. زن هیچ اختیار و قدرتی بر شوهرش ندارد و باید مطیع او باشد". در انجیل، تیموتی و کورینتین شماره های ۲ و ۱۴ آمده: "یک زن باید در سکوت و بی صدایی بیاموزد، هیچ زنی حق تعلیم و اتوریته بر مردان ندارد." و "زنان شما در کلیساها خاموش باشند، زیرا ایشان را حرف زدن جایز نیست، بلکه اطاعت نمودن است. اما اگر میخواهند بیاموزند، باید در خانه از شوهرانشان پرسند چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است". در قرون تاریک حاکمیت جهل و وحشیگری مذهبی و حتی تا اوایل قرن هجدهم، زنان بسیاری بخاطر اینکه پایشان را از محدوده ای که

کلیسا برایشان تعیین کرده بود، فراتر می گذاشتند، بعنوان ساحره تکفیر شده و در آتشی که کلیسا، این خانه خدا و اسقفها، این فرزندان خدا، برپا میکردند، زنده زنده سوزانده میشدند. هنوز هم بسیاری از این جنایتکاران از آزادی و ابراز وجود محدود زنان در جوامع امروز بخود می پیچند و در ذهن بیمارشان انتظار روزی را می کشند که بتوانند زنان را بجایی که خدا برایشان تعیین کرده بود، بازگردانند. طبق تعالیم تالمود: "مردی که تورات را به دخترش می آموزد، گویی به او تعلیم بی بند و باری میدهد"، "مردی که با زنان زیاد حرف می زند، شیطان را بر خود مسلط میکند و از آموزش پرهیزگاری و قوانین مذهبی دوری می جوید" و "بخدا کلمات تورات سوزانده شوند اما به زنان آموزش داده نشوند"، "تنها چیزی که ما باید از زنان توقع داشته باشیم این است که بچه های ما را بزرگ کنند و ما را از گناه محفوظ بدارند". و در قرآن، سوره نسا آیه ۳۸ آمده: "و زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید، باید نخست آنان را موعظه کنید، اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنان دوری گزینید، باز اگر مطیع نشدند، آنها را کتک بزنید..." وظیفه جرح و تعدیل این باورهای ارتجاعی متعلق به زندگی بشر در عهد نظامات قبیله ای و توحش ماقبل تاریخ در قرون جدید به رساله های نمایندگان زمینی مذاهب یعنی پاپ ها، کاردینالها، آیت الله ها، علمای اعلام و حجج اسلام واگذار شده تا این بربریت را با نیازهای اجتماعی و اقتصادی طبقات حاکم تلفیق و این وحشیگری و خشونت را بر زندگی مردم حاکم کند. مرد سالاری، تملک و وابستگی زن به مرد و بیحقوقی زنان چه در اشکال زمخت، آمیخته به توحش قبیله ای، جاهلانه و ماقبل تاریخ آن و چه در اشکال پوشیده تر، توسط قوانین و تعالیم کلیه ادیان توجیه شده و هر خدا را طبق یک نماز صبحگاهی ←

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

خود چنین بجا می‌آورند: "شکر خدا، پروردگار ما و پروردگار عالم را، که مرزن خلق نکرد."

طبق تعالیم الهی در کلیه مذاهب، گناه از زن نشأت گرفت و در تورات، سیراخ ۲۴:۲۵ آمده "گناه از زن نشأت گرفت و این باعث شد که مردان از فرشتگان به موجودات زمینی تنزل یابند." در همه مذاهب

مذهب و رابطه جنسی زن و مرد

مطابق قوانین مذهبی زنان به زور و اجبار در یک رابطه زناشویی با مردان قرار میگیرند و به زور هم در آن رابطه نکه داشته میشوند. بسیاری از این "زنان"، کودکان دختر نه تا پانزده ساله ای هستند که در جوامع تحت حاکمیت استبداد اسلامی مورد معامله جنسی قرار میگیرند. در حالیکه بسیاری از زنان از امکان انتخاب آگاهانه و آزرده همسر خود محرومند. به مردان اجازه داده میشود که برای حفظ خود از "گناه که مسبب آن زنان هستند"، با زنان متعددی البته با اجازه و حکم مذهبی رابطه داشته باشند. اسلام البته این افتخار را مختص به خود می داند که تعداد همسران رسمی مردان را به چهار محدود کرده است.

خدا زن را در کلیه مذاهب وسیله لذت جویی مرد تعریف کرده است. زن به مرد تعلق دارد و باید در خانه در خدمت مرد باقی بماند. خدا چنان مردان را در تجاوز به حقوق زنان و خشونت علیه آنان آزاد گذاشته که تنها را محفوظ ماندن زنان برای شوهرانشان این است که در خانه نکه داشته شوند و در دسترس مردان دیگر نباشند. نهادی شدن "زنا" در جوامع مذهبی نتیجه طبیعی موقعیت محروم زن در این جوامع است. رابطه آزاد زن با مرد در کلیه مذاهب ممنوع شده و مجازات سختی برای آن در نظر گرفته شده است. در مذاهب یهود و اسلام مجازات رابطه جنسی خارج از ازدواج زن و مرد که در اسلام "زنا" نامیده میشود، سنگسار است و زنان بسیاری قربانی این ناموس پرستی کثیف و این ذهنیت بیمار مذهبی میشوند. فرمان هفتم از ده فرمان

حجاب

حجاب یکی از زشت ترین مظاهر تبعیض و ستمگری مذهبی علیه زنان است و بیشتر از هر چیز دیگری پتانسیل بغایت ارتجاعی مذهب در سرکوب زنان طی ۱۶ سال حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران را به نمایش گذاشت و نفرت زنان را در ایران علیه خدا و جانباں اسلام دامن زد. در انجیل، در شماره ۶ باب ۱۱ کورینتین آمده است: "اگر زن موی خود را نمی پوشاند آن را ببرد. اگر زن را موی بریدن و تراشیدن قبیح

تورات در شماره ۱۴: ۲۰ خروج، و ۱۸: ۵، تفسیر این است که "زنا مکن" و حکم مجازات آن در آیه های ۲۱ و ۲۲: ۲۲. تفسیر، سنگسار و قتل است. در کتاب آسمانی اسلام، در آیه ۲۲ اسرا سوره ۱۷ در قرآن، زنا نپی شده و عقوبت سختی برای آن در نظر گرفته شده است. در انجیل شماره های ۲۷ و ۲۸ باب ۵: "هرکس بزنی نظر شهوت اندازد، هماندم در دل خود با او زنا کرده است."

بدون تردید کلیسای کاتولیک، طلاق را به این علت ممنوع کرد که قانع شده بود که برای زنا نیز مانند مرگ، هیچ راه علاجی نیست.

سکولاریسم، مذهب و برابری کامل زن و مرد

حقوق زنان و برابری زن و مرد هیچگاه با تفکر مذهبی و هیچیک از مذاهب موجود در جوامع بشری سازگاری نداشته است. مذهب رقم بردار نیست و حاکمیت جمهوری اسلامی بعنوان مظهر زنده و مجسم حاکمیت جهل و خرافات و ضدیت با زنان، پس از گذشت دهها قرن از عروج و نزول خدایان و مذاهب مختلف، این واقعیت را برای چندمین بار اثبات کرده است. اگر امروزه زندگی مردم مانند گذشته تحت تسلط مذهب نیست، به این دلیل است که نیروهای دیگری خارج و بیرون از مذهب محدودیتهایی را به آن تحمیل کرده اند و گرنه پاپ ها و کاردینالها و کلیساها با وجود گذشت دو هزار سال از وجود نکبت بارشان، باز هم بساط تفتیش عقاید و سوزاندن انسانها را به راه می انداختند. سکولاریسم بحق یکی از اصلی ترین پیش شرط های تحقق حقوق برابر زنان است. سرکوب خشن و وحشیانه زنان و لگد مال شدن حقوق آنان در خانواده و جامعه در جوامع مذهبی و بویژه حکومتی مذهبی، مساله زنان را در راس مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه قرار می دهد. جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش و تبدیل مذهب به امر خصوصی افراد جامعه باید در راس مطالبات جنبش های زنان برای برابری قرار گیرد. برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق فردی و مدنی و شرکت در

حیات سیاسی جامعه، لغو امتیازات ویژه مردان و مبارزه علیه مرد سالاری، رؤس مطالباتی هستند که دامنه نفوذ و تاثیر مذهب بر زندگی زنان را محدود می سازند. ضمن اینکه باید دامنه نفوذ رسمی مذهب بر زندگی مردم و بویژه زنان و کودکان را محدود کرد و مذهب را صرفاً بعنوان امر خصوصی آحاد جامعه برسمیت شناخت، باید دانشمندان را برمتابه نیرویی مخرب افشا کرد. افشا مذهب یک امر حیاتی در آزادی کامل زنان است. نفس اعتقاد به ماورای الطبیعه باعث فساد انسان میشود و هر چند هم که دامنه نفوذ رسمی مذهب را محدود کنید باز هم تاثیرات ضد انسانی و جهالت بار آن در روابط و مناسبات انسانها از جمله زنان با مردان و کودکانشان باقی می ماند. مذهب فرودستی زنان و سرکوب و خشونت علیه آنان را توجیه و و مبنای مناسبات ستمگرانه و انقیاد آور سرمایه داری قرار می دهد. انسان در بندی که زندگی اجتماعی اش مقهور مناسبات و روابطی است که کاملاً بر خلاف خواست و اراده اش عمل میکنند و او صرفاً ناظری از خود بیگانه و تحقیر شده در این مناسبات است، چنین انسانی ناگزیر در ذهن خود اراده خدا را بر جامعه حاکم میکند و سرنوشت خود را ناشی از اراده او می پندارد. خدا مظهر رهایی و تعالی انسان از خود بیگانه زمینی میشود که مصائب جهنم حاضر را برای ورود به بهشت در آینده تحمل میکند.

"مذهب مخلوق انسان در تنگنا افتاده است." (مارکس). انسان از خود بیگانه ای که در تنگنای این مناسبات حقارت بار گیر افتاده، مرعوب و مطیع، دارای عواطف عقب مانده، زورگو، متعصب و تبعیض گر خواهد بود. برابری کامل زن و مرد تنها زمانی ممکن است که انسان فارغ از هر نوع قید و بند عقب مانده فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی در یک جامعه آزاد و برابر زندگی کند و در این جامعه انسانی مذهب، مرد سالاری و سایر حربه های فرهنگی و سیاسی واپسگرا و بازدارنده و ضد بشر نقشی ندارند.



ساعات پخش تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای جمعه از ساعات ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب به وقت تهران (۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت اروپا)

مرکزی و ۹ تا ۱۰ صبح به وقت (امریکای غربی از شبکه کاتالک یک پخش میشود)

ایرلند و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

امریکای شمالی:

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC : 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com /parto

از این سایت ها دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktoberr.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

به سازمان

جوانان حکمتیست

پسوندید!

گروپ جوانان حکمتیست

در یاهو!

http://

groups.yahoo.com/
javananekomonist

www.javanx.com